

لحظه بیشتر می‌شد. مردم به کوچه‌ها و منازل پناه می‌بردند. صدای شعارهای مختلفی را می‌شنیدیم و صدای تیراندازی و بوی گاز اشک‌آور همه جا را گرفته بود. از اشکان خواستم که به خیابان نرود. اما او آخرین حرفش را به من زد و از خانه خارج شد: «نگران نباش، بر می‌گردم.»



4- ترانه موسوی (۱۳۶۰ - ۱۳۸۸):

ترانه موسوی، دختر جوانی که در تجمع مسجد قبا توسط نیروهای لباس شخصی و بسیجی بازداشت شده بود.

پس از چند هفته بی خبری سرانجام پیدا شد. از ترانه جز جسد سوخته‌ای در حوالی قزوین چیزی باقی نمانده است و نیروی انتظامی خانواده او را با تهدید و ارباب‌وآدار به سکوت کرده‌اند. ترانه موسوی بنا بر شهادت چند بازداشتی دیگر، آخرین بار در مقر پایگاه بسیج در حین بازجویی دیده شده است. نیروی بسیجی پس از آن این دختر جوان را از دیگر بازداشتیان جدا کردند و به او تجاوز جنسی کردند. ترانه موسوی چندین بار و توسط چندین بسیجی به وحشیانه‌ترین شکل ممکن مورد تجاوز قرار گرفت. بر اثر شدت جراحات وارده به رحم و مهبل بی‌هوش شد. بسیجیان که دیدند کار به جای باریک کشیده است بدن نیمه جان او را به بیمارستان امام خمینی کرج بردند، به این امید که پارگی رحم و مهبل و مقعد او را به سانحه تصادف رانندگی نسبت دهند. در بیمارستان اما با معاینه پزشک معلوم می‌شود که علت جراحات وارده نه سانحه تصادف بلکه تجاوز جنسی بوده است. نیروهای بسیجی که به شدت سراسیمه و نگران شده بودند با مشورت و هماهنگی مقامات بالاتر خود پیکر نیمه جان و بی‌هوش ترانه را از بیمارستان خارج می‌کنند و به کلیه پرسنل بیمارستان دستور اکید می‌دهند در این باره سکوت کنند و با احدی صحبت نکنند. پرستاری که نمی‌خواهد نامش فاش شود اما، ترانه موسوی را شناسایی می‌کند. نیروهای بسیجی او را به یکی از بیابانهای خلوت اطراف قزوین می‌برند. در همان حال که بی‌هوش بوده مجدداً به او تجاوز می‌کنند و بعد بر روی تن نیمه جاننش بنزین ریخته و او را به آتش می‌کشند. به امید اینکه کلیه آثار و نشانه‌های تجاوز را از بین ببرند.

5- کیانوش آسا:

متولد کرمانشاه، دانشجوی ترم چهارم کارشناسی ارشد رشته مهندسی شیمی در دانشگاه علم و صنعت ایران بود. او در جریان تظاهرات روز دوشنبه ۲۵ خرداد ۱۳۸۸ در میدان آزادی تهران ناپدید شد و روز ۳ تیر ماه ۱۳۸۸ در سردخانه پزشکی قانونی توسط خانواده‌اش شناسایی شد. آسا در اثر اصابت دو گلوله توسط لباس شخصی‌ها کشته شد. پیکر کیانوش در شهر کرمانشاه به خاک سپرده شد. مراسمی به مناسبت یادبود این جان باخته در دانشگاه علم و صنعت ایران در ۷ تیر با وجود تهدید گسترده مسئولان دانشگاه و وزارت اطلاعات برگزار شد.



6- یعقوب بروایه (تیر ۱۳۶۱ - تیر ۱۳۸۸):

دانشجوی کارشناسی ارشد رشته تئاتر در دانشکده هنر و معماری دانشگاه تهران، روز چهارم تیر ماه توسط نیروهای بسیج از بام مسجد لولاگر مورد اصابت گلوله قرار گرفت، از



اسامی (تعدادی) از شهدای قیام خونین سبز ایران

1- ندا آقاسلطان:

(بهمن ۱۳۶۱ در تهران - ۳۰ خرداد ۱۳۸۸ در تهران) در جریان اعتراضات مردمی به نتایج انتخابات ۲۲ خرداد ۱۳۸۸ در روز شنبه ۳۰ خرداد ۱۳۸۸ (۲۰ ژوئن ۲۰۰۹) در محله امیرآباد تهران (خیابان کارگر شمالی، تقاطع خیابان شهید



صالحی و کوچه خسروی) به ضرب گلوله کشته شد. «ندا» در خارج از ایران و در ایران، بعنوان سمبل ندای اعتراض ایرانیان و ندای آزادی خواهی ایرانیان و سمبل صدای اعتراض دمکراسی خواهان در این اعتراضات شناخته می‌شود. محل دفن: بهشت زهرا قطعه ۲۵۷ ردیف ۴۱ شماره ۲۲

2- سهراب اعرابی:

سهراب اعرابی ۱۹ ساله؛ سال آخر دبیرستان و آماده برای امتحان کنکور در جریان خیزش انقلابی در روز شنبه ۳۰ خرداد بازداشت و به مکان نامعلومی منتقل می‌شود. بعد از پیگیریهای پی در پی خانواده بخصوص مادرش متوجه می‌شوند که وی در زندان اوین است. مادر این جوان در روز سه شنبه ۱۶ تیر با گذاشتن کفالت در دادگاه انقلاب هر روز بعد از ظهر منتظر آزادی فرزندش بود، با وجود این که این مادر می‌دانست که فرزندش در زندان اوین است، ولی خیلی نگران بود و می‌گفت می‌ترسم بچه ام را بکشند. این مادر عکسی از فرزندش تهیه کرده بود و به هر زندانی که آزاد می‌شد عکس عزیزش را نشان می‌داد و از آنها می‌پرسید که آیا او را می‌شناسند و یا در زندان دیده‌اند؟ او می‌گفت به هر کجا و هر کسی مراجعه می‌کنم جواب نمی‌دهند و می‌گویند صبر کن آزاد می‌شود. این مادر کارش از صبح تا شب جلو زندان ماندن شده بود تا اینکه یک دفعه از طرف قاضی مرتضوی خبر آمد که سهراب اعرابی در زندان درگذشته است. خانواده اش را خبر کنید تا جنازه فرزندشان را تحویل بگیرند.



3- اشکان سهرابی (۱۳۶۸ - ۳۰ خرداد ۱۳۸۸):

جوانی بود که در جریان اعتراضات مردمی به نتایج انتخابات ۲۲ خرداد ۱۳۸۸ در روز شنبه ۳۰ خرداد ۱۳۸۸ بر اثر اصابت سه گلوله به سینه‌اش درگذشت. محل دفن: قطعه ۲۵۷ بهشت زهرا ردیف ۵۰ شماره ۱۹- خواهر اشکان درباره ماجرای قتل و آخرین دیدار با برادرش چنین گفته است:



من به همراه مادرم در منزل بودیم. اشکان تازه از باشگاه برگشته بود. به ما گفت مردم در خیابان‌ها در حال تظاهرات هستند و همه جا آتش گرفته است. گفت که با زحمت به منزل رسیده است و نیروهای گارد ویژه همه خیابان‌های اطراف را بسته‌اند و مردم را متفرق می‌کنند. مادرم از من خواست که مانع از برگشتن اشکان به خیابان شوم. من هم تمام تلاشم را کردم که حواس اشکان را به مسائلی غیر از خیابان بکشانم، اما شلوغی‌های خیابان ما هر

رشته کامپیوتر دانشگاه تهران بود در تجمع روز ۱۸ تیر دستگیر و به زندان اوین منتقل شد و در ۱ مرداد جنازه‌اش به خانواده‌اش تحویل داده شد. وی فرزند عبدالحسین روح‌الامینی، رئیس انستیتو پاستور ایران، عضو جمعیت ایثارگران انقلاب اسلامی و مشاور انتخاباتی محسن رضایی بود.

11- بهمن جنابی:

۲۰ ساله، شاغل در مغازه نصب و تعمیرات شوفاژ. وی به گواه شاهدان توسط نیروهای لباس شخصی در حین تظاهرات علیه جمهوری اسلامی به ضرب گلوله به قتل رسید.



12- مینم عبادی:

نوجوان ۱۷ ساله‌ای بود که در جریان اعتراضات پس از انتخابات دهم ریاست جمهوری در روز ۲۳ خرداد در میدان تجریش تهران کشته شد.



13- مسعود هاشم‌زاده:

یکی از کشته‌شدگان حوادث پس از انتخابات ریاست‌جمهوری دوره دهم است که در ۳۰ خرداد ۱۳۸۸ به ضرب گلوله نیروهای حکومتی، جان باخت. مسعود هاشم‌زاده ۲۷ ساله و دارای دیپلم رشته علوم تجربی بود. به گفته برادر مسعود، وی در زمینه موسیقی و طراحی فعالیت می‌کرد و ۹ سال بود که سنتور می‌نواخت.



14- امیر جوادی فر:

متولد ۱۳۶۲ دانشجوی مدیریت صنعتی دانشگاه آزاد واحد قزوین، که در روز ۱۸ تیر ماه در خیابان ۱۶ آذر بعد از ضرب و شتم توسط نیروهای امنیتی و لباس شخصی به شدت مجروح و به بیمارستان منتقل شده بود. بعد از یک ساعت در حالی که خانواده اش هنوز نگران سلامتی و بهبود او بودند به نقطه نامعلومی منتقل شد. صبح ۲ مرداد به خانواده اش اطلاع داده شد که برای شناسایی و تحویل جسدش به پزشکی قانونی کهریزک مراجعه کنند.



15- ناصر امیرنژاد (زاده ۱۳۶۲، مرگ ۲۵ خرداد ۱۳۸۸، تهران):

دانشجوی دانشگاه آزاد اسلامی واحد علوم و تحقیقات تهران در رشته هوا- فضا بود که در جریان راهپیمایی مردم تهران در میدان آزادی (در ابتدای خیابان محمد



ناحیه سر مجروح شد و بلافاصله توسط دوستانش به بیمارستان لقمان انتقال یافت اما به رغم تلاش پزشکان برای جان وی، در نهایت دچار مرگ مغزی شد و به شهادت رسید. یعقوب بروایه فرزند دوم یک خانواده پنج نفری و اهل اهواز بود. وی متولد تیرماه ۱۳۶۱ بوده و در هنگام مرگ تنها ۲۷ سال سن داشت. به نوشته برخی سایت های خبری یعقوب بروایه که در کنترل کامل مأمورین تحت مداوا قرار داشت، از این حادثه جان سالم به در نبرد. او تنها دقایقی پیش از مرگ چشم گشود، دستان مادرش را گرفت و زیر لب گفت: مادر من برای آزادی کشته شدم... و چشم فرو بست. گفته می شود مأموران امنیتی پیکر بی جان یعقوب را تحویل گرفتند و به محل نامعلومی بردند و سرانجام بعد از ۴۸ ساعت به خانواده او اطلاع دادند جسد یعقوب به خاک سپرده شده است. مأموران از خانواده او تعهد گرفته اند که از هرگونه اطلاع رسانی و برگزاری مراسم برای او خودداری کنند.



7- محمد کامرانی: جوان ۱۸ ساله‌ای بود که در

جریان نا آرامی‌های پس از انتخابات ریاست جمهوری ایران در سال ۱۳۸۸ در روز ۱۸ تیر در نزدیکی میدان ولیعصر تهران دستگیر شد و به بازداشتگاه کهریزک انتقال یافت. طبق گفته خانواده وی، محمد را در حالیکه تقریباً نیمه جان بوده و سراسر بدنش علائم باتوم و شکنجه بوده به تخت بیمارستان بسته بودند، تا امکان فرار نداشته باشد. با تلاش خانواده بالاخره می توانند محمد را از بیمارستان لقمان مرخص و بلافاصله به بیمارستان مهر منتقل می کنند. اما در آنجا پزشکان متخصص می گویند با توجه به اینکه عفونت تقریباً تمام بدن را فرا گرفته امیدی در بهبود نیست و محمد ظرف کمتر از ساعت در تاریخ ۲۵ تیر جان می بازد .

7- مهدی کرمی:

یکی از کشته‌شدگان اعتراضات پس از انتخابات ریاست جمهوری دهم در ایران است. وی در تقاطع خیابان جنت آباد و خیابان کاشانی تهران در عصر روز دوشنبه، ۲۵ خرداد، بر اثر اصابت گلوله به گلویش، کشته شد. به گفته «مجموعه فعالان حقوق بشر ایران»، او ۲۵ سال سن داشت.



9- مصطفی غنیان:

دانشجوی مهندسی دانشگاه صنعتی شریف بود که در جریان حمله نیروهای پلیس و سپاه به کوی دانشگاه در ۲۵ خرداد ۱۳۸۸ کشته شد. محل دفن: مشهد.



10- محسن روح‌الامینی نجف‌آبادی:

یکی از کشته‌شدگان حوادث پس از انتخابات ریاست جمهوری دوره دهم است که در زندان اوین به قتل رسید. روح‌الامینی که دانشجوی انصرافی





20- بهزاد مهاجر:

از دستگیرشدگانی که در تجمع روز ۲۵ خرداد بازداشت شده بود، به شهادت رسیده است. خانواده وی پس از ۴۶ روز بی خبری روز گذشته جسد وی را در سردخانه کهریزک شناسایی کردند. بهزاد مهاجر ۴۷ سال داشته و طی این مدت اقوام او به دنبال نشانی بهزاد به دادگاه انقلاب، زندان اوین و مراکز قضایی مراجعه کردند، اما مسئولین از ارائه پاسخ مشخص به آنها خودداری می کردند. به گزارش خبرنگار خبرنامه امیرکبیر روز گذشته و پس از ۴۷ روز آزار و اذیت این خانواده، جسد بهزاد مهاجر به خواهر وی نشان داده شده است. خانواده مهاجر تأکید کردند جسد بهزاد روز ۳۱ خردادماه تحویل پزشکی قانونی شده است اما تا دیروز شنبه در خصوص کشته شدن فرزندشان خبری به این خانواده سرگردان داده نشده است. به نظر می رسد وی بر اثر اصابت گلوله در سینه اش درگذشته است. جسد وی در قطعه ۲۰۸ بهشت زهرا خاک شد.

21- سجاد قائد رحمتی:

یکی از کشته شدگان اعتراضات مردمی پس از انتخابات ریاست جمهوری دهم در ایران است که در خیابان آزادی کشته شد. سجاد اهل **شهرستان دورود** استان لرستان بود و به همراه خانواده اش در این شهر زندگی می کرد. در تابستان به علت فقر خانواده به تهران برای کار رفته بود.



22- رامین قهرمانی:

متولد سال ۱۳۵۸ - محل سکونت: خیابان شهرآرا، درگیری های روزهای پس از انتخابات، مأموران از طریق دوربین مدار بسته یک بانک چهره رامین قهرمانی را شناسایی کرده و برای دستگیری وی به منزلش مراجعه می کنند. به دلیل عدم حضور رامین قهرمانی در منزل مأموران به مادر او می گویند که فرزندش هرچه زودتر خود را معرفی کند. رامین ۱۵ روز بعد از اینکه با پای خود برای دفاع از بیگناهیش رفته بود، با بدنی که آثار شکنجه بر آن نمایان بود، از زندان آزاد و پس از دو روز بر اثر جراحات وارده در آغوش مادر به شهادت رسید. او پس از آزادی به مادرش گفته که چندین روز از پا او را آویزان کرده اند. شهید رامین قهرمانی پس از آزادی به دلیل لخته های خون موجود در سینه اش در بیمارستان بستری و به شهادت میرسد. خانواده قهرمانی تحت فشار شدید برای منع انتشار خبر شهادت فرزندشان هستند. آنها تحت تدابیر شدید امنیتی فرزند خود را به خاک سپردند. تا جایی که پس از مراسم خاکسپاری به دلیل تهدیدات نیروهای امنیتی مبنی بر اینکه سر مزار فرزند شهیدشان حق ندارند با صدای بلند گریه کنند و شیون سردهند، ۵ نفر از اعضای فامیل او دچار



علی جناح در تیراندازی از ساختمان بسیج) در ۲۵ خرداد ۱۳۸۸ کشته شد. پیکر این دانشجو در ۲۹ خرداد ۱۳۸۸ در یاسوج تشییع و به خاک سپرده شد.

16- حسین طهماسبی:

جوان ۲۵ ساله می باشد که در جریان تجمعات اعتراضی روز دوشنبه ۲۵ خرداد ماه در خیابان نوبهار کرمانشاه مورد حمله ی مأموران مسلح وابسته به دولت قرار گرفته و در اثر ضربات وارده به قتل رسیده است. حسین طهماسبی بر اثر ضربات متعدد باتوم و اصابت این ضربات به سر توسط نیروهای انتظامی جمهوری اسلامی کشته شد. حسین به هیچیک از کاندیدها رأی نداده بود و آن روز برای اعتراض به خفقان و استبداد جمهوری اسلامی به خیابان آمده بود. یکی از دوستان حسین می گوید صدها تن از مردم از نزدیک شاهد مرگ وی بودند.



17- داوود نعیم آبادی:

او توسط قاتلان گردان ۱۱۷ عاشورا در میدان آزادی به ضرب گلوله به قتل رسید پیکر او را روز ۳۱ خرداد به خانواده اش تحویل دادند.



18- داوود صدری:

۲۷ ساله؛ روز ۲۵ خرداد در جریان تظاهرات میلیونی مردم تهران تیر خورده و به بیمارستان امام علی منتقل می شود. روز شنبه ۳۱ خرداد خانواده برای آوردن داوود به خانه به بیمارستان رفته که مطلع می شوند فرزندشان درگذشته است. روز یکشنبه ۱ تیر در قبرستان بهشت شهدای ملارد دفن می شود. گزارش شده که مقامات جمهوری اسلامی ۲۵۰ هزار تومن بابت پول تیر و ۶ میلیون هم بابت تحویل جنازه از خانواده داوود درخواست کرده اند. همچنین گزارشات حاکی از آن بوده که به خانواده داوود توصیه کرده اند که اعلام کنند او بسیجی بوده و توسط مردم به قتل رسیده است.



19- سعید عباسی فرگلچی:

۲۴ ساله، فروشنده کیف و کفش، کسبه ساکن خیابان رودکی (سرسبیل)، مجرد، هویت یکی دیگر از جان باختگان اعتراضات روز شنبه در تهران است. سعید در خیابان رودکی تقاطع بوستان سعیدی مقابل بانک پاسارگاد مورد اصابت گلوله قرار گرفته، جان می سپارد. وی کارگر کفش آرام در خیابان رودکی جنوب خیابان دامپزشکی بوده است.





27- حمید مداح شورجه:
دانشجو. همراه با گروهی در صحن مسجد گوهرشاد دست به تحصن زد که توسط نیروهای امنیتی دستگیر شد. او در مدت بازداشت تحت شکنجه قرار گرفت تا در روز آزادی وی به دلیل شدت جراحات وارده جان سپرد. پزشکی قانونی علت مرگ وی را خونریزی مغزی اعلام کرده است. گفتنی است مراسم یادبود او روز یکشنبه ۱۴ تیر برگزار شد.

28- امیرحسین طوفان پور:



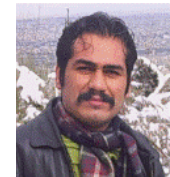
در تظاهرات روز ۳۰ خرداد توسط نیروهای امنیتی در خیابان دستگیر شد. بر اساس اظهارات شاهدان عینی مزدوران ابتدا به شدت با چماق به دستش می زدند به شکلی که دستش کاملا شکسته و از بدن اویران می شود. سپس با گلوله به سرش شلیک کرده و این جوان را در این تظاهرات به قتل می رسانند. محل دفن حسین درقطعه ۲۲۲ بهشت زهرا ثبت شده است. از خانواده طوفان پور ۲۴ میلیون تومان پول تیر خواسته اند، اما آنها قبول نکرده و به مزدوران گفته اند ما چنین پولی را پرداخت نمی کنیم هر جا خودتون خواستید دفن کنید.

29- مصطفی کیارستمی:



پسر جوانی ۲۲ ساله بود که در روز ۲۶ تیر ۱۳۸۸ در نماز جمعه تهران شرکت کرد و در این روز بر اثر ضربه باتوم به سرش جان باخت. مصطفی کیارستمی در مقابل دانشگاه تهران به دست نیروهای بسیجی و لباس شخصی مضرور می شود به نحوی که دیگر قادر به بازگشت به خانه نبوده است و در تماس تلفنی از مادرش تقاضای کمک می کند. پس از آنکه مادر مصطفی او را به خانه باز می گرداند، متوجه وخامت حال وی می شود تا این که او را به بیمارستان کسری تهران انتقال می دهد. این جوان به علت خونریزی مغزی ناشی از اصابت باتوم، همان شب فوت می کند اما علت مرگ او سکنه مغزی اعلام می شود.

علیرضا داوودی:



از دانشجویان آزادی خواه و برابری طلب اصفهان، در تاریخ ۷ مرداد ۸۸ در سن ۲۶ سالگی در بیمارستان درگذشت. رفیق علیرضا داوودی سردبیر نشریه دانشجویی راه خاکی در دانشگاه اصفهان، سخنران و سازمانده مراسم هشت مارس ۸۶ در اصفهان، سخنران و سازمانده مراسم ۱۲ آذر سال ۸۶ در اصفهان، سخنران مراسم اول مه سال ۸۷ در کامپاران ، فعال و سازمان دهنده اعتراضات کارگری در اصفهان بود. علیرضا داوودی طی فعالیت در دانشگاه از تحصیل محروم شده و در ۲۴ بهمن ماه ۸۷

فشارهای عصبی شدید شده تا جایی که برخی از آنها کارشان به بیمارستان کشیده شده است.

23- کامبیز شعاعی:

در جریان حمله انصار حزب الله و لباس شخصی ها به کوی دانشگاه در شامگاه ۲۴ خرداد مورد حمله و ضرب و شتم قرار گرفته و جان خود را از دست داد. گفته می شود پیکر این دانشجو بدون اطلاع به خانواده ایشان و مخفیانه در گورستان بهشت زهرا تهران به خاک سپرده شده است.



24- حسین اکبری:

یکی دیگر از جوانانی است که پس از بازداشت شدن توسط نیروهای امنیتی در اعتراض های روزهای پس از انتخابات ایران، کشته شده است. بن در حالی است که تا تاریخ ۸۸/۴/۲۰ و با پی گیری خانواده اش از طریق دادگاه انقلاب و بازداشتگاه اوین و دیگر بازداشتگاه های موجود در تهران، هیچ اطلاعی از سرنوشت وی یا محل نگهداری اش در دست نبود.



در روز ۸۸/۴/۲۱ با تماسی که با خانواده اش گرفته شد، از آنها خواسته شد تا به بیمارستان امام خمینی، برای تحویل گرفتن جسد فرزند خود مراجعه کنند و با مراجعه ای آنها مشخص شده است که دلیل کشته شدن وی بر اثر ضربه مغزی بوده و روی بدن او آثار متعدد باتوم دیده شده است. همچنین تاریخ دقیق شهادت اش مشخص نیست و پیکر وی صبح روز یکشنبه ۸۸/۵/۸ در قطعه ۲۱۹ بهشت زهرا تهران در کنار مادر مرحوم وی به خاک سپرده شد.

25- علیرضا افتخاری:

۲۴ ساله خبرنگار ابزار اقتصادی. جسد علیرضا افتخاری، که در جریان جنبش اخیر مفقود شده بود؛ بعد از ۲۵ روز بی اطلاعی خانواده اش؛ روز دوشنبه ۲۲ تیر تحویل خانواده اش داده شده است.



26- حسین اخترزند:

یکی از جانبیختگان حوادث اخیر در اصفهان، محله مسجد لبنان، فردی به نام میباشد که مجر د بوده است و درعین حال نان آور خانواده و خواهران و برادرانش بوده است.



38- سید رضا طباطبایی:

۲۰ ساله لیسانس حسابداری، کارمند به دلیل اصابت گلوله به سر در ۳۰ خرداد در خیابان آذربایجان جان باخت و چهارشنبه ۲ تیر بعد از تعهد گرفتن از خانواده در قطعه ۲۵۹ به خاک سپرده شد.

39- ابوالفضل عبدالهی:

۲۱ ساله فوق دیپلم برق ۲۰ خرداد در مقابل دانشگاه صنعتی شریف به دلیل اصابت گلوله به پشت سر جان باخت و سه شنبه ۲ تیر در قطعه ۲۴۸ به خاک سپرده شد.

40- نادر ناصری:

۲۰ خردادماه در خیابان خوش جان باخت، محل دفن بابل.

41- سالار طهماسبی:

۲۷ ساله دانشجوی کارشناسی مدیریت بازرگانی رشت، شنبه ۳۰ خرداد در خیابان جمهوری به دلیل اصابت گلوله به پیشانی جان باخت و دوشنبه ۲ تیر در قطعه ۲۵۴ به خاک سپرده شد.

42- کاوه علی پور:

۱۹ ساله، شنبه ۳۰ خردادماه در تهران به قتل رسید. بنا به گزارش وال استریت ژورنال: حکومت برای پس دادن جنازه کاوه علی پور معادل ۳۰۰۰ دلار پول گلوله از خانواده اش خواسته است!

43- وحید رضا طباطبایی:

۲۹ ساله لیسانس زبان انگلیسی چهارشنبه ۲ تیر در بهارستان به دلیل اصابت گلوله به سر جان باخت و ۶ تیر، در قطعه ۳۰۸ به خاک سپرده شد.

44- فهیمه سلحشور:

۲۵ ساله دیپلم یکشنبه ۲۴ خرداد به دلیل اصابت باتوم به سر و خونریزی داخلی در میدان ولیعصر بعد از انتقال به بیمارستان در تاریخ ۲۵ خرداد جان باخت و ۲۷ خرداد در قطعه ۲۶۶ به خاک سپرده شد.

45- شلیب خصری:

دانشجو، اهل شهر پیرانشهر، روز ۱۶ ماه ژوئن، به هنگام حمله و یورش نیروهای رژیم به دانشگاه تهران، جان خود را از دست داده است. پیکر شلیب در شهر پیرانشهر، از سوی خانواده اش به خاک سپرده می شود.

46- فاطمه براتی:

در جریان حمله انصار حزب الله و لباس شخصی ها به کوی دانشگاه در شامگاه ۲۴ خرداد مورد حمله و ضرب و شتم قرار گرفته و جان خود را از دست داد. گفته می شود پیکر این دانشجویان بدون اطلاع به خانواده ایشان و مخفیانه در گورستان بهشت زهرای تهران به خاک سپرده شدند.

47- کسری شرفی:

در جریان حمله انصار حزب الله و لباس شخصی ها به کوی دانشگاه در شامگاه ۲۴ خرداد مورد حمله و ضرب و شتم قرار گرفته جان خود را از دست داد. گفته می شود پیکر این دانشجو بدون اطلاع به خانواده ایشان و مخفیانه در گورستان بهشت زهرای تهران به خاک سپرده شده است.

48- سرور برومند:

۵۸ ساله که به اتفاق دخترش فاطمه رجب پور در جریان تیراندازی نیروهای نظامی به مردم در تاریخ ۲۵ خردادماه در خیابان محمدعلی جناح جان باخت. همسرش ابراهیم رجب پور می گوید: به کمر و گلولی زن و دخترم تیر زده

همزمان با بازداشت محمد پورعبدالله در تهران، در شهر شاهین شهر اصفهان بازداشت گردید. وی در تاریخ ۵ اردیبهشت ۸۸ با قرار وثیقه ۱۰۰ میلیون تومانی از زندان آزاد شد و در تاریخ ۷ مرداد ۸۸ در سن ۲۶ سالگی در بیمارستان درگذشت. علت مرگ رفیق علیرضا ابتدا افسردگی در اثر فشارهای روحی وارد شده بر وی در زندان عنوان شد. اما سپس مشخص شد که وی در بیمارستان درگذشته است و پزشکان علت مرگ را سکتة اعلام کرده اند؟!

30- علیرضا توسلی: همراه با پدرش برای شرکت در چهلم

شهدای سرکوب اخیر به بهشت ندا رفته بودند. در هنگام بازگشت لحظه ای دست علیرضا از دست پدرش جدا می شود، در این هنگام دست او از زندگی کوتاه می شود. علیرضا بر اثر اصابت ضربه ی باتوم که به سرش خورد دچار خونریزی مغزی شد و به شهادت رسید و جسد نامبرده در اراک به خاک سپرده شد. علیرضا فقط ۱۲ سال داشت.



31- بریسا کلی:

۲۵ ساله فارغ التحصیل رشته ادبیات به دلیل اصابت گلوله به گردن در یکشنبه ۲۱ خرداد در بلوار کشاورز جان باخت و سه شنبه ۲ تیر در قطعه ۲۵۹ به خاک سپرده شد.

32- محسن حدادی:

۲۴ ساله طراح برنامه های کامپیوتری شنبه ۳۰ خرداد به دلیل اصابت گلوله بر پیشانی در خیابان نصرت جان باخت و سه شنبه ۲ تیر در قطعه ۲۶۲ به خاک سپرده شد.

33- محمد نیکزادی:

۲۲ ساله فارغ التحصیل عمران در سه شنبه ۲۶ خرداد به دلیل اصابت گلوله به سینه در میدان ونک جان باخت و شنبه ۳۰ خرداد در قطعه ۲۵۷ به خاک سپرده شد.

34- محمد حسین برزگر:

۲۵ ساله، دیپلم شغل آزاد به دلیل اصابت گلوله به سر در تاریخ چهارشنبه ۲۷ خرداد در میدان هفت تیر جان باخت و در یکشنبه ۲۱ خرداد بعد از تعهد گرفتن از خانواده در قطعه ۳۰۲ به خاک سپرده شد.

35- ایمان هاشمی:

۲۷ ساله شغل آزاد به دلیل اصابت گلوله به چشم شنبه ۳۰ خرداد در خیابان آزادی جان باخت و چهارشنبه ۲ تیر در قطعه ۲۵۹ به خاک سپرده شد.

36- علی شاهدی:

۲۴ ساله بعد از دستگیری و انتقال به کلانتری در تهرانپارس یکشنبه ۲۱ خرداد به دلایل نامعلوم در کلانتری جان باخت. پزشکی قانونی علت مرگ وی را نامشخص اعلام کرده، اما خانواده وی معتقدند به علت ضربات باتوم در کلانتری جان باخته است. وی ۴ تیر در قطعه ۲۵۷ به خاک سپرده شد.

37- واحد اکبری:

۲۴ ساله شغل آزاد و متأهل دارای یک دختر ۳ ساله؛ در شنبه ۳۰ خرداد به دلیل اصابت گلوله به پهلو در خیابان ونک جان باخت و سه شنبه ۲ تیر در قطعه ۲۶۱ به خاک سپرده شد.

۲۲ ساله، بود در تظاهراتهای اخیر جان باخت. جمهوری اسلامی علت فوت را تضاد اعلام کرده است. پدر ایشان در میدان انقلاب جنب بانک رفاه مغازه لباس فروشی دارد. در میرداماد مراسمی برای بزرگداشت وی برگزار شد.

58- ایمان نمازی:
دانشجوی رشته عمران دانشگاه تهران، ۲۵ خردادماه، کوی دانشگاه.

59- مریم مهر آذین:
۲۴ ساله در خیابان آزادی با شلیک گلوله جان باخت.

60- میلاد بزدان پناه:
۲۰ سال در خیابان آزادی با شلیک گلوله جان باخت.

61- حامد بشارتی:
۲۶ ساله در خیابان آزادی با شلیک گلوله جان باخت.

62- بابک سپهر:
۲۵ ساله در خیابان آزادی با شلیک گلوله جان باخت.

63- امیر کویری:
فارغ التحصیل از دبیرستان تطبیقی تهران.

64- فرزاد هشتی:
اطلاعاتی در دست نیست.

65- ندا اسدی:
اطلاعاتی در دست نیست.

66- محرم چکینی قشلاقی:
فرزند میرزا قلی ۲۴ ساله، قطعه ۲۵۶ بهشت زهرا ردیف ۱۴۶ شماره ۱۳

67- محمد حسین فیضی:
فرزند غلامرضا ۲۶ ساله، قطعه ۲۵۷ بهشت زهرا ردیف ۲۱ شماره ۲۵

68- آقای معزز:
۲۷ ساله یکی از جانبختگانی است که در اعتراضات گسترده و خونین مردم تهران در ۲۰ خرداد ماه شرکت کرده بود. او حوالی میدان آزادی با اصابت گلوله به چشمش جان خود را فدای راه آزادی مردم ایران کرد.

69- رامین رمضانی فرزند مهدی:
۲۲ ساله، قطعه ۲۵۷ بهشت زهرا ردیف ۴۶ شماره ۲۲

70- آرمان استخری پور:
۱۸ ساله از شیراز که در درگیری های چند روز اخیر (زمان مجروح شدن نامعلوم است) شیراز در محله ایبوردی مورد اصابت باتوم قرار گرفته و به کما رفته بود. او که به منزل پیرزنی در حوالی درگیریها پناه برده بود روز دوشنبه ۲۲ تیر جان باخت و پیکر این عزیز جان باخته سه شنبه ۲۳ تیر برابر با ۱۴ جولای در دارالرحمه شیراز به خاک سپرده شد. گفتنی است که پزشک آرمان علت مرگ وی را مرگ مغزی اعلام کرد.

71- مهرداد حیدری:
روزنامه نگار مشهدی. مهرداد نقدهای تندی بر وزارت اطلاعات و نیروهای امنیتی در روز شنبه ۲۰ تیر نوشته بود و نسبت به فشار بر جوانان برای اعتراف گیری اعتراضات شدید کرده بود. او روز یکشنبه ۲۱ تیر به طرز مشکوکی در مشهد به قتل رسید. به گزارش سایتهای انترنتی، حیدری که پیشتر در روزنامه خراسان فعالیت داشت، بنا به دلایلی به هفته نامه نسیم مشهد رفت و در آن نشریه در محیطی استانی به نوشتن پرداخت. وی خرداد ماه، با دعوت روزنامه خراسان رضوی به آن روزنامه رفت و در یادداشت های

بودند. وقتی رسیدیم هردو غرق خون بودند. تشخیص پزشکان این است که در همان لحظه اصابت گلوله کشته شده اند.

49- فاطمه رجب پور:
۲۸ ساله که به اتفاق مادرش سرور برومند در جریان تیراندازی نیروهای نظامی به مردم در تاریخ خردادماه در خیابان محمدعلی جناح جان باخت. پدر فاطمه ابراهیم رجب پور می گوید: به کمر و گلوئی زن و دخترم تیر زده بودند. وقتی رسیدیم هردو غرق خون بودند. تشخیص پزشکان این است که در همان لحظه اصابت گلوله کشته شده اند.

50- فرزاد جشتی:
جوانی ایلامی فرزند سید جعفر، اهل شهرستان آبدانان ایلام، که برای امرار معاش در تهران به سر می برده است، در اثر حمله ی نیروهای رژیم جان خود را از دست داد. پیکر فرزند با تدابیر امنیتی و با جلوگیری از اطلاع رسانی، در ۱۹ ماه ژوئن، در شهر آبدانان به خاک سپرده شد.

51- محسن ایمانی:
در جریان حمله انصار حزب الله و لباس شخصی ها به کوی دانشگاه در شامگاه ۲۴ خرداد مورد حمله و ضرب و شتم قرار گرفته و در این بین جان خود را از دست داد. گفته می شود پیکر این دانشجوی بدون اطلاع به خانواده ایشان و مخفیانه در گورستان بهشت زهرا تهران به خاک سپرده شده است.

52- مبینا احترامی:
دانشجوی بهبهانی دانشگاه تهران در جریان حمله انصار حزب الله و لباس شخصی ها به کوی دانشگاه در شامگاه ۲۴ خرداد مورد حمله و ضرب و شتم قرار گرفته و جان خود را از دست داد. بهبهان شنبه ۲۰ خرداد در سوگ مبینا نشست و خانواده داغدارش را یاری نمود. مادر مبینا دیروز در میان صحنه هایی جانسوز گناه کشته شدن عزیز خود را از مسئولان می پرسید و از مردم می خواست نگذارند خون عزیزش اینگونه پامال شود.

53- بويا مقصود بیگی:
دانشجوی دانشگاه علوم پزشکی کرمانشاه. او در تاریخ ۲۰ خرداد ۸۸ توسط نیروهای امنیتی کرمانشاه دستگیر و تحت شکنجه های وحشتناک در زندان کرمانشاه قرار می گیرد و پس از آزادی فوت می کند. مادرش بهجت (زهرا) نودری که برای اعتراض و دادخواهی به کشته شدن فرزندش بدن خود را گل گرفته و در مقابل اداره اطلاعات کرمانشاه به تنهایی تحصن کرده بود، در ساعت ۱۰ شب اولین روز تحصن خود دستگیر شده است و تا کنون اطلاعی از او در دسترس نیست.

54- تینا سودی:
دانشجو، روز شنبه ۲۰ خرداد توسط گلوله ای در میدان انقلاب به قتل می رسد. اما مأموران مزدور به خانواده سودی گفته اند که اگر می خواهید جسدش را بگیری باید بگویید که با مرگ طبیعی مرده است.

55- سعید اسماعیلی خان بین:
۲۳ ساله که بر اثر وارد شدن ضربه به سرش در حوادث تهران کشته شده است، در شهر خان بین (استان گلستان) به خاک سپرده شده است. (جزئیات دقیق تر هنوز دریافت نشده است).

56- مسعود خسروی:
در ۲۵ خردادماه در میدان آزادی جان باخت، مدفون در بهشت زهرا.

57- سالار قربانی پارام:

کند. به گفته وی دیدن تصاویر کشته شده‌ها نزدیک به نیم ساعت به طول انجامیده است.
وی افزود در زمان خروج از این سردخانه پیکر صدها شهید را دیده است که در آنجا روی هم گذاشته شده بودند. این مادر داغدار می گوید با آنکه جنازه فرزندم را پیدا نکردم اما با دیدن آنهمه جنازه که رو هم دیو شده بود از هوش رفته ام و وقتی به هوش آمدم که در بیرون سرخانه و در ماشین بوده ام. همه اینها در حالیست که تمامی مقامات نظامی کشور در هفته های اخیر استفاده از سلاح گرم را در درگیری های تهران رد کرده اند و مشخص نیست این همه شهید و کشته که هر روز تنها نام برخی از آنها منتشر می شود به چه صورت کشته و شهید شده اند.

**** گزارش دوم: پیکر پاک یک شهید دیگر پس از ۵۰ روز تحویل خانواده اش شد**

تو ماندی و خاک، ما رفتیم و خشم
نیما نامداری: تنش سخت مثل سنگ شده نتیجه ۵۰ روز حبس در سردخانه است (سردخانه همان زندان مردگان است؟). غسلها به سختی برش می‌گرداندند بدن یخ‌زده‌اش در گودی سنگ غسل جا نمی‌شود. بدنش باد کرده و متورم است، سرتاسر سینه زیر گردن تا ناف، از این شانه تا آن شانه، صلیب‌وار شکافته شده انگار کالبد شکافی‌اش کرده‌اند شاید هم دنبال گلوله بوده‌اند. یک دایره کوچک روی سینه چپ، همان‌جا که روزی قلبی می‌تپیده جای گلوله را نشان می‌دهد. سوراخ روی سفیدی سینه، بد جور به چشم می‌آید برعکس آن سوراخ کوچک دیگر که پشت بازوی راست جا خوش کرده و کسی نمی‌بیندش. بی‌دلیل هم نیست وقتی جنازه را برمی‌گردانند آنقدر پشت خونین و پاره پاره‌اش چشم آدم را سوزن می‌زند که دیگر خواست به سوراخ کوچک پشت بازو نباشد. چند گلوله خورده؟ دو تا، شاید هم یکی، شاید دستش را هنگام تیراندازی سپر کرده اما گلوله از بازویش عبور کرده و به سینه نشسته اما جای خروج گلوله از آن طرف بازو کجا است؟ نمی‌دانم. غسلها، کماکان می‌شورندش. معلوم است قبل از مرگ بیمارستان بوده، چسبها و سوزنها و چیزهای دیگری که اسمشان را نمی‌دانم اما در بیمارستان به تن و بدن آدم آویزان می‌کنند هنوز بر پیکر سنگ شده‌اش آویزان است. غسل با دست همه را می‌کند. در جوی پائین سنگ، خونابه چسبها و سوزنها و ... را با خود می‌برد. پنبه‌های سفید، پیکره پاره پاره‌اش را در برمی‌گیرند. کتان را می‌برند و کفن می‌کنند.

تعدادمان کم است. بیست سی نفری می‌شویم. گرمای ظهر مرداد آدم را داغ می‌کند. اما خوبی‌اش این است که اشک را همان روی صورت بخار می‌کند. مامان تقریباً از حال رفته، ناله‌های نامفهوم می‌کند. خاله مثل همیشه در سکوت گریه می‌کند. از شدت تکان شانه‌هایش می‌توان شدت گریه را فهمید. خانواده پسرदार خوبی‌اش این است که برای بر دست گرفت جنازه، آدم کم نمی‌آوری. من و دو برادرم، سه پسرخاله و سه پسرذاتی، گردانی هستیم بی خواهر. می‌بریمش قطعه 208 خودش قبلاً قبر کنار عزیز را برای خودش خریده بود. می‌خواست کنار مادرش دفن شود. در قبر گذاشتیمش. ماشین پلیس کنار ایستاده، مامورها فقط نگاه می‌کنند، بدبختها بهانه ندارند ما کاری نمی‌کنیم گریه داغ مرداد و خاک گرم بهشت زهرا و جنازه زیر خاک مگر می‌گذارد؟

ثابت روزنامه حضوری فعال داشت. مهرداد حیدری در آخرین یادداشت خود ضمن انتقاد از وزارت اطلاعات در کسب اطلاعاتی ساختگی، این وزارتخانه را محکوم به نداشتن اطلاعاتی کرد که با فشار بر جوانان قصد به دست آوردن آن را دارد. حیدری در این یادداشت ضمن برشمردن نکات منفی جریانات اخیر ایران، آنها را دستمایه افرادی دانست که همیشه حق به جانب گرفته و بر دفاع از مردم حکایت می‌کنند.

72- علی فتحعلیان:

محل جان باختن: روبروی مسجد لولاگر. محل سکونت: خیابان رودکی، خیابان شکوفه (خمسه).

73- جعفر بروایه:

استاد دانشگاه چمران اهواز و دانشجوی مقطع دکتری دانشگاه تهران که برای شرکت در امتحانات به تهران رفته بود ۲۸ جون، ۷ تیر در تظاهرات میدان بهارستان شرکت می‌کند و از ناحیه سرمورد اصابت یک گلوله قرار می‌گیرد که بعد از آن به یکی از بیمارستانها ی تهران منتقل و قبل از رسیدن به بیمارستان جان می‌بازد. جسد وی توسط یکی از دوستان وی شناسایی و به اهواز منتقل و تحویل خانواده وی شد. مراسم دفن جعفر در حضور نیروهای امنیتی رژیم انجام گرفت.

74- حسن کاظمینی:

پدربزرگ وی که به نام علی کاظمینی طی نامه سرگشاده ای به مطبوعات نوشته است: چند روز قبل نوه ۱۹ ساله ام حسن، به خیابان انقلاب رفت تا به همراه همفکرانش علیه حقی که از کف داده بود، تظاهرات کند. در جمعی که برای آن مجوز ن داده بودند حاضر شد و عواملی به ادعای آنکه تجمع غیرقانونی است با جمعیت حاضر برخورد کردند و حسن دیگر به خانه برنگشت.

قطعه‌ای از بهشت زهرا سبز شده است

سه گزارش:

*** گزارش یک: پیکر پاک صدها شهید اعتراضات مردمی یک ماه اخیر در سردخانه ای در جنوب غربی تهران نگهداری می‌شود.**

در حالی که بسیاری از خانواده های زندانیان در بند همچنان نگران عزیزانشان از این نهاد به آن سازمان و از این زندان به آن دادگاه سرگردان و حیران بازی داده می شوند و هیچ مقام مسئول و غیر مسئولی در کشور حاضر به پاسخگویی به این خانواده های نگران نیست، برخی از خانواده ها را به محل نامعلومی دعوت می کنند و بعد از توجیه و تهدید آنها به آسیب دیدن دیگر اعضای خانواده و همچنین گرفتن تعهد مبنی بر عدم اطلاع رسانی در مورد مرگ فرزندانیشان و امضاء اوراقی با اینمضمون که تایید می کنند عزیزانشان بر اثر تصادف و یا دیگر حوادث طبیعی جان سپرده اند جنازه های آنها را تحویل خانواده های داغدار می دهند.

ب گزارش خبرنگار نوروز به نقل از یکی از این خانواده ها که نخواست نامش فاش شود، وی را به سردخانه ای در جنوب غربی تهران که مخصوص نگهداری میوه و محصولات لبنی بوده است برده اند و آلبومی در اختیارش گذاشته اند که تصویر صدها کشته در آن بوده است تا جنازه فرزندش را از بین آنها پیدا

با پیگیرهای خبرنگار نوروژ از بهشت زهرا تهران، روز بیست و یکم تیرماه از بین جوازهای دفن صادر شده در آن قبرستان، ۲۸ جواز بدون ذکر نام و نام خانوادگی صادر شده و همگی در قطعه ۳۰۲ به خاک سپرده شده اند. ۲۴ تیرماه نیز ۱۶ جواز دفن با شرایط فوق صادر شده است. گفتنی است سایت نوروژ در تاریخ ۲۴ تیرماه نیز به نقل از خانواده یکی از شهدای حوادث اخیر، از وجود دهها جنازه در سردخانه ای در جموی غربی تهران خبر داده بود، که با تحویل جنازه های منجمد به خانواده ها در روزهای بعدی این خبر تا حدودی مورد تأیید قرار گرفت. لازم به ذکر است، اجساد در سردخانه های پزشکی منجمد نمی شود اما به دلیل اینکه این جنازه های در سردخانه های صنعتی نگهداری شده بودند، اجساد منجمد شده و به فرم خود را از دست داده بودند. به نظر می رسد پس از دیده شدن جنازه های شهدا در سردخانه های صنعتی و وحشت از انتشار اخبار آن توسط خانواده ها، جنازه ها بدون شناسائی به بهشت زهرا برده شده و به خاک سپرده شده اند. پی گیری خبرنگار سایت نوروژ از مسئولین بهشت زهرا در روزهای اخیر بی نتیجه بوده است و هیچکدام از آنها حاضر به پاسخگویی در مورد این اجساد نبوده اند. با اینحال با همکاری برخی از پرسنل آ سازمان با خبرنگار نوروژ، شماره جواز دفن شهدایی که بدون نام در قطعه ۳۰۲ به خاک سپرده شده اند در اختیار سایت نوروژ قرار گرفته است که در صورت لزوم منتشر خواهد شد.

عجب! چه راحت می نویسم، هیچ وقت فکر نمی کردم بتوانم به این راحتی بنویسم دانی بهزاد را در قبر گذاشتیمش، دانی کوچک را، دانی شوخ و شاد را، مدتی بود ندیده بودمش هم تبلی من هم ... دیروز که با مامان خانه اش رفتیم دنبال شناسنامه و سند قبرش، چه کشیدیم، به تنهایی عادت کرده بود. خانه کوچک و تمیزش، لباسهای نوئی که تازگیها خریده بود. دو دست کت شلوار آویزان در کمد، کاغذ کنار تلفن: قند، روغن سرخ کردنی، آلو و ... گویا فهرست خرید بوده. بربریهای با دقت تکه شده در یخچال، بادمجان سرخ شده در فریزر، ظرفهای مرتب چیده شده در آبچکان، خانه کوچکش چقدر منظم و مرتب است. چه کسی می گوید خانه بی زن، بی سامان است. مسواک جلوی آینه، عکس من و نسرين و عزیز کنار تلفن، جزئیات است که آدم را آتش می زند. هیچ وقت فکر می کردی کسی با دیدن حوله و مسواکت آتش بگیرد؟ من و مامان گرفتیم.

حالا این زندگی ساده کوچک معمولی و زیبا به زیر خاک رفته، آخ ... چه ساده می نویسم «زیر خاک رفته»، دانی بهزاد را من، اشکان، سینا، ارسلان، علی، البرز و بابک دفنش کردیم (بهرتر که رهام نبود از همه غصه خورتر است)، گذاشتیمش زیر خاک، کنار عزیز، با تن سخت و پاره پاره اش، با جای گلوله (گلوله ها؟)، با همه سختی و مشقتی که در این چهل و هفت سال کشیده بود. او را راحت گذاشتیم زیر خاک همان قبرستانی که چهل سال پیش پدرش در قطعه ۲ آن دفن شده بود. همان وقتی که یتیمی و محرومیت آغاز شده بود. گذاشتیمش زیر خاک با همه سالهای سختی و فقر، با تنهایی و کار، با سالهای جنگ و جبهه، با آرزوهای ساده يك آدم معمولی!

خاک را ریختیم، دانی! خداحافظ، خداحافظ همه جوانی حسرت، همه شبهای تنهایی، همه روزهای آهن و عرق؛ تو ماندی و خاک، ما رفتیم و خشم. این تصویر پیکر پاک شهید بهزاد مهاجر است که بطور کامل منجمد تحویل این خانواده داغدار و فرهیخته شده است.



*** گزارش سوم: یکی از پرسنل زحمت کش بهشت زهرا تهران به خبرنگار نوروژ گفت: "در روزهای ۲۱ و ۲۴ تیرماه جنازه هایی بدون نام و مشخصات و تحت تدابیر شدید امنیتی، به این قبرستان آورده شده و با صدور اجازتی جواز دفن برای آنها در قطعه ۳۰۲ به خاک سپرده شده است."